

حقایق درباره حملات گومیندان

(۵ نوامبر ۱۹۴۵)

یونایتد پرس در تلگرافی از چون چینگ بتاریخ ۳ نوامبر گزارش میدهد که او گوه جن مدیر بخش تبلیغات کمیته اجرایی مرکزی گومیندان ، اظهار داشته که " دولت در این جنگ بکلی در موضع دفاعی است " و اقداماتی بمنظور " استقرار مجدد ارتباطات " پیشنهاد کرده است (۱) . یکی از خبرنگاران خبرگزاری سین هوا در این مورد به سخنگوی حزب کمونیست چین سؤال داده است .

اینک پاسخ سخنگوی حزب کمونیست چین : اینکه او گوه جن میگوید که دولت " در موضع دفاعی است " دروغ محض است . گومیندان به اشغال پنج منطقه آزاد شده که سپاهیان ما در جه جیان شرقی ، جیان سوی جنوبی ، ان هوی مرکزی ، ان هوی جنوبی و حونان تخلیه کرده اند و به پایمال کردن اهالی آن مناطق اکتفا نورزیده بلکه

اثر حاضر اظهاریه رفیق مائو سه دون بعنوان سخنگوی حزب کمونیست چین میباشد . در آن تاریخ چانکایشک « موافقت نامه ۱۰ اکتبر » را نقض کرده بود و جنگ داخلی بر ضد مناطق آزاد شده روز بروز گسترش بیشتر می یافت .

بیش از ۷ لشکر از سپاهیان منظم خود را وارد بسیاری دیگر از مناطق آزاد شده و مثلاً وارد مناطق گوان دون، حوبه، حه نان، جیان سوی شمالی، ان هوی شمالی، شان دون، حه به و سرزمینهای مجاور آنها ساخته، خلق را سرکوب کرده و بحمله بر سپاهیان ما و یا تدارك حمله بر آنها مشغول است. بعلاوه دهها لشکر گومیندان هم اکنون بسوی مناطق آزادشده سرازیر گشته‌اند. آیا "در موضع دفاعی بودن" اینست؟ از ۸ لشکر گومیندان که از جان ده بسوی شمال روان بودند پس از رسیدن به منطقه جن دن ۲ لشکر بمخالفت با جنگ داخلی و بهواداری از صلح برخاستند و ۶ لشکر دیگر (سه تایی آنها سراپا مجهز با اسلحه آمریکائی) پس از حمله متقابل سپاهیان و مردم مناطق آزادشده که محقانه بدفاع از خود پرداخته بودند، بناچار اسلحه بر زمین گذاشتند. بسیاری از افسران این واحدهای گومیندان از آن جمله معاونان فرماندهی‌های منطقه جنگی، فرماندهان سپاه و معاونانشان، اینک در مناطق آزادشده بسر میبرند (۲) و میتوانند گواهی دهند که از کجا آمده‌اند و تصدیق کنند که حکم حمله بآنها داده شده بوده است. آیا این نیز "در موضع دفاعی بودن" است؟ سپاهیان ما در مناطق آزادشده استان‌های حه نان و حو به اکنون کاملاً در محاصره بیش از ۴ لشکر گومیندان از مناطق جنگی یکم، پنجم و ششم بفرماندهی کل لیو جی که مأمور "سرکوب کمونیستها" در این استان‌ها است هستند. مناطق آزادشده ما در حه نان غربی و مرکزی و در حو به جنوبی و شرقی و مرکزی همگی گرفتار تاخت و تاز و اشغال نیروهای گومیندان گردیده است که با چنان حرصی بسوختن و کشتن میپردازند که واحدهای ما تحت فرماندهی لی سیان نیان و وان شوشن نتوانستند پناهگاهی بیابند و برای حفظ حیات خود

بناچار بمرز میان حه نان و حو به برای استقرار رفتند . ولی در آنجا نیز مورد تعقیب و حمله سپاهیان گومیندان قرار گرفتند (۳) . آیا این نیز "در موضع دفاعی بودن" است ؟ در سه استان شان سی ، سوی یوان و چاهار وضع بهمین منوال است . در نخستین دهه ماه اکتبر ۱۳ لشکر فرمان یین سی شان به بخش میان یوان - تون لیو از منطقه آزادشده شان دان نفوذ کردند . سپاهیان ما و مردم سرزمین مذکور محقانه بدفاع از خود برخاسته همگی آنها را خلع سلاح کردند . عده‌ای از فرماندهان سپاه و فرماندهان لشکر در جزو اسیران این پیکاراند . اینک آنان در منطقه آزادشده تای هان بسر میبرند و همگی صحیح و سالم‌اند و میتوانند گواهی دهند که از کجا آمده‌اند و تصدیق کنند که حکم حمله بآنها داده شده بوده‌است . اخیراً یین سی شان در چون چینگ یک سلسله دروغ گوئی پرداخته گفته است که بوی حمله شده و او فقط "در موضع دفاعی" قرار داشته است . ظاهراً او فراموش کرده که ژنرال‌هایش از قبیل شی زه پوه فرمانده سپاه شماره ۱۹ ، گوه ژون فرمانده لشکر شماره ۴۶ موقت ، جان هون فرمانده لشکر شماره ۴۹ موقت ، لی پی بین فرمانده لشکر شماره ۶۶ ، گوه‌تیان سین فرمانده لشکر شماره ۶۸ و یان وین تسای فرمانده لشکر شماره ۳۷ موقت (۴) الساعه در مناطق آزادشده ما هستند و این نکته برای رد کلیه دروغ‌های او گوه جن ، یین سی شان و سایر مرتجعانی که جنگ داخلی بر سی‌انگیزند کافی است . دو ماه است که ژنرال فو زوه ای باجرای فرمان حمله بر مناطق آزادشده سوی یوان ، چاهار و ژه هه مشغول میباشد . او حتی تا دروازه جان جیا کو به پیش رانده و تمام منطقه آزادشده سوی یوان و بخش غربی چاهار را بتصرف در آورده است . آیا این نیز "در موضع دفاعی بودن"

و "اولین تیر تفنگ" را در نکردن است؟ سپاهیان ما و مردم چاهار و سوی یوان بدفاع از خود برخاستند و در حملات متقابل خویش آنان نیز عده کثیری افسر و سرباز باسارت گرفتند که همگی میتوانند گواهی دهند که از کجا آمده‌اند و چگونه بعمله پرداخته‌اند و غیره (۵).

ما در نبردهای دفاع از خود به کوه‌های از اسناد ضد کمونیستی و با مربوط به "امحاء راهزنان" و از آن جمله به «کتابچه در باره امحاء راهزنان» (۶) و یا فرمان‌های "امحاء راهزنان" و سایر اسناد ضد کمونیستی که از طرف عالی‌ترین مقامات گومیندان پخش شده‌است دست یافتیم که او گوه جن وجود آنها را رد کرده و استناد بآنها را "شوخی" نامیده است. بزودی اسناد مذکور به بین ان فرستاده خواهد شد. این اسناد بوجه انکارناپذیر ثابت میکند که سپاهیان گومیندان بر مناطق آزادشده حمله آورده‌اند.

آنگاه خبرنگار خبرگزاری سین هوا از سخنگوی حزب کمونیست چین پرسیده است که نظر وی در باره اقدامات پیشنهادی او گوه جن برای استقرار مجدد ارتباطات چیست. سخنگو میگوید: این پیشنهاد چیز دیگر جز تاکتیک دفع‌الوقت نیست. مقامات گومیندان نیروهای عظیمی گرد آورده که در صدد است سیل آنها را بر مناطق آزادشده سرازیر کند. پس از آنکه چندین حمله او در سپتامبر و اکتبر با شکست روبرو شد وی بتدارك حملات بازهم نیرومندتر مشغول است. یکی از مسائل جلوگیری از این حملات و بالنتیجه قطع واقعی جنگ داخلی عبارتست از جلوگیری از نقل و انتقال سپاهیان بوسیله راه آهن. ما مانند همگان طرفدار براه انداختن سریع خطوط ارتباط هستیم. ولی این کار فقط وقتی میسر است که سه مسئله یعنی پذیرش تسلیم ژاپن، حق اتخاذ تصمیم

درباره سپاهیان پوشالی ، و تحقق خودمختاری اداری مناطق آزاد شده حل گردد . کدام يك باید قبلاً حل شود ، این سه مسئله یا مسئله ارتباطات ؟ چرا سپاهیان مناطق آزادشده که مدت‌ها هشت سال به نبردهای سنگین بر ضد ژاپن پرداخته‌اند صلاحیت پذیرش تسلیم ژاپن را ندارند ؟ و چرا باید به سایر سپاهیان زحمت داد که از راه دور بیایند و این کار را بر عهده گیرند ؟ هر کس حق دارد سپاهیان پوشالی را مجازات کند ؛ چرا همه آنها را وارد " ارتش ملی " کرده و بآنها فرمان حمله به نواحی آزادشده میدهند ؟ خودمختاری منطقه‌ای در « موافقت نامه ۱۰ اکتبر » بخصوص تصریح شده و دکترسون یاتسن مدت‌ها پیش نظر داده است که خلق استانداران را انتخاب کند ؛ چرا لازم است که دولت گومیندان مأموران خود را به محل‌ها معین کند ؟ مسئله ارتباطات باید بسرعت حل شود ، ولی فوریت این سه مسئله عمده از آن هم بیشتر است . از استقرار مجدد ارتباطات پیش از حل این سه مسئله عمده صحبت کردن فقط بسود گسترش و ادامه جنگ داخلی است و فقط بکسانی یاری میرساند که میخواهند مناطق آزادشده را براندازند و باین منظور جنگ داخلی برمی‌انگیزند . ما برای قطع فوری جنگ داخلی ضد توده‌ای و ضد دموکراتیک که اینک به سراسر کشور گسترده شده است اقدامات زیرین را پیشنهاد میکنیم :

۱ - کلیه نیروهای دولت گومیندان که بمنظور پذیرش تسلیم ژاپن و حمله بر ما به مناطق آزادشده چین شمالی ، جیان سوی شمالی ، ان هوی شمالی ، چین مرکزی و سرزمین‌های مجاور آنها آمده‌اند باید بیدرنگ بمواضع نخستین خویش باز گردند ؛ سپاهیان مناطق آزادشده پذیرش تسلیم ژاپن خواهند پرداخت و

پادگان‌هایی در شهرها و بر روی خطوط ارتباطات خواهند گذاشت ؛ مناطق آزادشده که باشغال گوسیندان در آمده است دوباره مستقر خواهد شد .

۲ - کلیه سپاهیان پوشالی باید بیدرنگ خلع سلاح و ترخیص شوند . در چین شمالی ، در جیان سوی شمالی و ان هوی شمالی ، مناطق آزادشده مأسور خلع سلاح و ترخیص آنان خواهند بود .

۳ - خودمختاری دموکراتیک خلق در کلیه مناطق آزادشده باید بر رسمیت شناخته شود ؛ دولت مرکزی هیچ کس را بعنوان مأسور محلی منصوب نخواهد کرد و اعزام نخواهد داشت ؛ مواد « موافقت نامه . ۱ اکتبر » باید بموقع اجراء در آید .

سخنگو اظهار داشت : این یگانه وسیله جلوگیری از جنگ داخلی است ؛ هیچ تضمین دیگری برای جلوگیری از آن وجود ندارد . اسنادی که ما در طی سه نبرد دفاع از خود در سوی یوان ، شان دان و جن دن بدست آورده‌ایم و همچنین واقعیاتی نظیر مانور عظیم سپاهیان و حملات وسیع آنها همگی تکذیب کننده این ادعای مقامات گوسیندان است که گویا بسود خلق و نه بخاطر جنگ داخلی خواستار " استقرار مجدد ارتباطات " شده‌اند . خلق چین را مدت درازی فریب داده‌اند و دیگر فریب نمیخورد . امروز وظیفه اساسی همه خلق عبارتست از بسیج شدن بمنظور جلوگیری از جنگ داخلی با کلیه وسائل .

یادداشتها

۱ - در پایان جنگ مقاومت ضد ژاپنی ، بیشتر راه آهن‌های چین یا تحت کنترل

ارتش و مردم مناطق آزادشده و یا در محاصره آنان بود. مرتجعان گومیندان در صدد بر آمدند به بهانه "استقرار مجدد ارتباطات" راه آهن‌های مذکور را بمنظور تجزیه مناطق آزاد شده مورد استفاده قرار داده میلیون‌ها سرباز گومیندان را به چین شمال شرقی، شمالی، شرقی و مرکزی انتقال دهند و به حمله بر مناطق آزادشده پرداخته شهرهای بزرگ را با شتاب بتصرف در آورند.

۲ - در سپتامبر ۱۹۴۵ سپاهیان گومیندان که از منطقه جن جو و سین سیان حرکت کرده بودند بمنظور حمله بر منطقه آزاد شده شان سی - حه به - شان دون - حه نان در طول راه آهن بی پین - حان کو به پیشروی پرداختند. طلایه آنها مرکب از ۳ سپاه در دهه آخر اکتبر به منطقه تسی سیان و جن دن هجوم برد. ارتش و مردم منطقه آزاد شده دلیرانه بدفاع برخاستند و پس از يك هفته نبردهای سخت، ژنرال گائو شو سیون، معاون فرماندهی منطقه جنگی یازدهم گومیندان که در عین حال فرمانده سپاه هشتم جدید نیز بود، در منطقه جن دن بر علیه گومیندان سر بشورش زد و با سپاه هشتم جدید و یک ستون که مجموعاً بیش از ۱۰,۰۰۰ تن میشدند بما پیوست. دوسپاه دیگر که با بینظمی به عقب‌نشینی پرداختند محاصره و خلع سلاح شدند. بسیاری از افسران عالی‌رتبه مجبور بتسلیم گردیدند و ما فا او، معاون دیگر فرماندهی منطقه جنگی یازدهم گومیندان که در عین حال فرماندهی سپاه ۴۰ را نیز داشت، لیو شی ژون، معاون فرماندهی سپاه ۴۰، لی سیو دون رئیس ستاد او و لیو شو سن معاون فرماندهی لشکر در شمار آنان بودند.

۳ - پس از تسلیم ژاپن، گومیندان بیش از بیست لشکر از سه منطقه جنگی گرد آورد تا بحملات وسیع بر مناطق آزاد شده استان‌های حه نان و حو به پردازد. بخشی از نیروهای حو زون نان، فرمانده منطقه جنگی یکم گومیندان، در دو طرف راه آهن لون های از شمال غربی بسوی مشرق پیش رفت تا وارد مناطق آزاد شده حه نان غربی گردد. نیروهای لیو جی، فرمانده منطقه جنگی پنجم، در دو طرف راه آهن بی پین - حان کو از شمال بجنوب پیش رفتند تا وارد مناطق آزاد شده حه نان مرکزی، و حو به مرکزی و شرقی گردند. نیروهای منطقه جنگی ششم در انطباق با عملیات نیروهای فوق از حو به جنوبی بسوی شمال رهسپار شدند. بیشتر این نیروهای گومیندان تحت فرمان لیو جی قرار داشت. ارتش توده‌ای مناطق آزادشده حه نان و حو به با تجاوزکاران به نبردهای پرخشم و کین دست زد و با حفظ نیروهای خود در دهه آخر اکتبر ۱۹۴۵ بسوی منطقه واقع در مرز حه نان - حو به که کوهستان دا هون و تون بای و همچنین شهر زائو یان را دربر میگیرد

روان شد . این ارتش پس از آنکه از طرف گومیندیان تحت فشار سخت قرار گرفت به سیوان هوا دیان ، واقع در مشرق راه آهن بی پین - جان کو رفت .

۴ - راجع به نبرد شان دان مراجعه شود به « در باره مذاکرات چون چینگ » ، یادداشت ۲ ، جلد حاضر . افسران گومیندیان که اسیر شدند و نامشان در اینجا ذکر شده است همگی ژنرال‌های ارتش یین سی شان بودند .

۵ - استان سوی یوان در ۶ مارس ۱۹۵۴ حذف شد و بصورت بخشی از منطقه خودمختار مغولستان داخلی در آمد . ژنرال فو زوه ای در آن موقع فرمانده منطقه جنگی دوازدهم گومیندیان بود . سپاهیان وی در هنگام جنگ مقاومت بر ضد ژاپن در بخش او یوان - لین هه در مغرب سوی یوان پادگان داشتند . پس از تسلیم شدن ژاپن وی فرمان یافت که بر مناطق آزاد شده استان‌های سوی یوان ، ژه هه و چاهار حمله برد . وی در اوت ۱۹۴۵ گوی سوی (امروز حوه هه هوت) ، جی نین و فون جن را بتصرف در آورد . در آغاز سپتامبر سین هه ، شان ای ، او چوان ، تائو لین ، سین تان و لیان چن را تسخیر کرده به حملات وسیع بر مناطق آزاد شده چاهار پرداخت و تا حوالی جان جیا کو پیش رفت . ارتش ما محقانه بدفاع از خود برخاست ، حملات او را پس زد و عده کثیری افسر و سرباز دشمن را باسیری گرفت .

۶ - « کتابچه در باره امحاء راهزنان » کتابچه‌ای بود ضد انقلابی و تنظیم شده بوسیله چانکایشک در ۱۹۳۳ و منحصر بود به شیوه‌های حمله بر نیروهای مسلح خلق چین و پایگاههای انقلابی . در ۱۹۴۵ که جنگ مقاومت پایان یافت چانکایشک کتابچه مذکور را تجدید طبع و بین افسران گومیندیان توزیع کرد و فرمان محرمانه زیرین را بر آن افزود : « کارزار کنونی امحاء راهزنان که سعادت خلق وابسته بآن است باید سرعت بیایان برسد . شما باید افسران و سربازان خویش را تشویق کنید که از کلیه امکانات خود برای امحاء راهزنان طبق روح جنگ مقاومت و طبق « کتابچه در باره امحاء راهزنان » که متن آن را شخصاً تنظیم کرده‌ام استفاده نمایند . کسانی که خدمت برجسته‌ای بدولت انجام دهند پاداش خواهند یافت و کسانی که مرتکب تأخیر و یا خطا گردند به شورای جنگ تسلیم خواهند شد . کلیه افسران و سربازان تحت فرماندهی شما که در امحاء راهزنان شرکت دارند باید با این فرمان آشنا شوند و از آن پیروی کنند . »

تقلیل بهره مالکانه و بسط تولید — دو وظیفه مهم برای دفاع از مناطق آزاد شده

(۷ نوامبر ۱۹۴۵)

۱ — گویندان بکمک آمریکا کلیه نیروهای خود را برای حمله بر مناطق آزادشده ما بسیج کرده است . دیگر جنگ داخلی بمقیاس ملی بصورت واقعیت در آمده است . وظیفه کنونی حزب ما عبارتست از بسیج کلیه نیروهای خویش ، ایستادگی در موضع دفاع از خود ، درهم شکستن حملات گویندان ، دفاع از مناطق آزادشده و مبارزه بمنظور آنکه صلح فرا رسد . برای نیل باین هدف ، باید وظایف زیرین را بفوریت انجام داد : مراقبت در اینکه در مناطق آزادشده ، دهقانان در همه جا از تقلیل بهره مالکانه بهره‌مند گردند ، کارگران و سایر توده‌های زحمتکش به افزایش عادلانه دستمزد و بهبود شرایط زندگی نائل

رهنمود برای حزب که بوسیله رفیق مائو تسه دون بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تنظیم شده است .

آینده در عین حال مراقبت در اینکه مالکان ارضی باز آنقدر داشته باشند که زندگی کنند و سرمایه‌داران صنعتی و تجاری باز بتوانند سود بدست آورند ؛ بعلاوه در سال آینده باید جنبش وسیعی را در تولید گسترش داد ، تولید غلات و مواد را که در درجه اول مورد نیاز است بالا برد ، شرایط زندگی خلق را بهبود بخشید ، به قحطی زدگان و به فراریان یاری رسانید ، نیازمندی‌های ارتش را برآورده ساخت . ما نمیتوانیم بر دشواریها فائق آئیم ، ما نمیتوانیم بجبهه یاری برسائیم و به پیروزی نائل شویم مگر آنکه از عهده دو وظیفه مهم تقلیل بهره‌مالکانه و بسط تولید بر آئیم .

۲ - از آنجا که اکنون جنگ دامنه بسیار وسیع بخود میگیرد بسیاری از رفقای رهبر ما در پست فرماندهی خویش در جبهه بسر میبرند و نمیتوانند در عین حال توجه خود را به تقلیل بهره مالکانه و بسط تولید معطوف دارند . پس باید تقسیم کار کرد . رفقای رهبری که در عقب جبهه میمانند در عین حال که کار بسیاری برای کمک مستقیم بجبهه انجام میدهند باید از هر فرصت مناسب برای سازمان دادن این دو وظیفه مهم یعنی تقلیل بهره‌مالکانه و بسط تولید استفاده کنند . آنان باید در عرض ماه‌های زمستان و بهار به برانگیختن جنبش وسیعی برای تقلیل بهره‌مالکانه مبادرت جویند و تقلیل مذکور را در سراسر مناطق آزادشده و بویژه در مناطق وسیعی که تازه آزاد شده عملی گردانند بطوریکه موجب اعتلاء شور و شوق انقلابی اکثریت عظیم توده‌های دهقانی گردد . در عین حال باید در سال ۱۹۴۶ تولید کشاورزی و صنعتی در کلیه مناطق آزادشده به رونق جدیدی نائل آید . این امر که جنگ مجدداً توسعه یافته نباید ما را به مسامحه در تقلیل بهره‌مالکانه و

بسط تولید بکشاند. برعکس، درست بخاطر شکست دادن تعرض گومیندان باید فعالانه تر باین کار پرداخت.

۳ - تقلیل بهره مالکانه باید نتیجه مبارزه توده ها باشد نه استیازی که دولت بآنها اعطا کرده است. شکست یا پیروزی تقلیل بهره مالکانه وابسته باین نکته است. در مبارزه بخاطر تقلیل بهره مالکانه بزحمت میتوان از تندروی ها احتراز جست. ولی آنجا که واقعاً مبارزه آگاهانه توده های وسیع در کار است هر تندروی را میتوان بعداً اصلاح کرد. فقط آنگاه است که میتوان به توده ها فهماند و آنها را قانع ساخت که بسود دهقانان و همه خلق است که وسائل معاش از مالکان ارضی گرفته نشود تا به پشتیبانی از گومیندان بر نخیزند. هنوز سیاست کنونی حزب ما تقلیل بهره مالکانه است نه مصادره ارضی. ما باید در هنگام تقلیل بهره مالکانه و پس از آن به اکثریت عظیم دهقانان یاری بدهیم که در اتحادیه های دهقانی متشکل گردند.

۴ - کلید پیروزی در جنبش تولید عبارتست از سازمان دادن اکثریت عظیم تولیدکنندگان در گروه های کمک متقابل. واگذاری اعتبارات دولتی به کشاورزی و پیشه‌وری از اقدامات ضروری است. همچنین بسیار مهم است که کارهای کشاورزی را سرفصل شروع کنیم و از اتلاف دوره کشت و کار بکاهیم. اینک ما باید از یک طرف نیروهای خلق را برای خدمت بجنگ تجهیز کنیم و از طرف دیگر باید بکوشیم که هیچ فصل کشت و کار از دست نرود. از همین جهت باید مطالعه شود که نیروهای خود را چگونه تقسیم کنیم. واحدهای ارتش، ارگانهای دولتی و مدارس باید همچنان باندازه لازم به کار تولید مشغول باشند مشروط بر اینکه به جنگ، به کار و به درس صدمه نخورد. و فقط

از این طریق است که میتوانند شرایط زندگی خود را بهبود بخشند و بار سنگین خلق را سبک گردانند .

۵ - ما از هم اکنون عده‌ای از شهرهای بزرگ و عده کثیری از شهرهای متوسط را در دست داریم . یکی از وظایف مهم حزب ما اکنون عبارتست از اجرای نظارت اقتصادی بر این شهرها و توسعه صنعت ، تجارت و مالیه آنها . باین منظور کاملاً لازم است که کلیه اشخاص صلاحیت دار را که در اختیار ما هستند مورد استفاده قرار دهیم و اعضاء حزب را قانع سازیم که با آنها همکاری کنند و در امور فنی و شیوه‌های مدیریت از آنها بیاموزند .

۶ - به کلیه اعضاء حزب بگوئید که استوار در کنار خلق بایستند ، بدشواریهای اقتصادی وی پردازند و در نظر داشته باشند که اجراء این دو وظیفه مهم ، یعنی تقلیل بهره‌مالکانه و بسط تولید ، برای کمک بخلق در تفوق بر مشکلات وی جنبه اساسی دارد ؛ اگر اینطور عمل کنیم پشتیبانی صمیمانه خلق را جلب خواهیم کرد و خواهیم توانست کلیه حملات سرتجعان را با شکست روبرو سازیم . هنوز باید همه چیز را در زمینه يك كوشش ستماى در نظر گرفت ، منابع انسانی و مادی را باید با صرفه‌جوئی مورد استفاده قرار داد و همه چیز را باید برای مدتی طولانی پیش‌بینی کرد ؛ در این صورت پیروزی ما تأمین خواهد شد .

سمتگیری کار ما در سال ۱۹۴۶ در مناطق آزاد شده

(۱۵ دسامبر ۱۹۴۵)

حزب ما در طی ماههای اخیر در رهبری خلق در مبارزات سخت برای برانداختن نیروهای ژاپنی و پوشالی و برای درهم شکستن حملات گومیندان بر مناطق آزاد شده به پیروزیهای بزرگ نائل آمده است . همه رفقای حزبی ما یکدلانه کار میکنند و در زمینه‌های گوناگون به نتایج درخشان رسیده‌اند . سال ۱۹۴۵ پایان میرسد و ما باید در کاری که در سال ۱۹۴۶ در مناطق آزاد شده انجام خواهیم داد توجه خویش را در همه جا به نکات زیرین معطوف داریم :

۱ - در هم شکستن حملات جدید . پس از آنکه ارتش ما حملات برداشته گومیندان را بر مناطق آزاد شده در سوی یوان ، شان سی و حه به جنوبی درهم شکست گومیندان بگردآوری نیروهای بازهم مهمتری

رهنمود برای حزب که بوسیله رفیق مائو تسه دون بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تنظیم شده است .

پرداخت تا حملات جدیدی را تدارك ببندد. اگر هیچ حادثه جدیدی پیش نیاید که گویندگان را به متوقف ساختن سریع جنگ داخلی وادارد نبرد بهار ۱۹۴۶ نبرد سختی خواهد بود. از اینجهت هنوز وظیفه مرکزی ما در کلیه مناطق آزادشده عبارت خواهد بود از ایستادگی در موضع دفاع از خود و بکار بردن کلیه مساعی برای درهم شکستن حملات گویندگان.

۲ - ترویج جنبش گائوشو سیون (۱). حزب ما برای درهم شکستن حملات گویندگان باید بکوشد که در سپاهیان گویندگان که میخواهند باو حمله آورند و یا در حال حمله باو هستند تفرقه افکند. از يك طرف ارتش ما سریعاً بتبلیغات پردامنه سیاسی و به تعرض وسیع سیاسی بر سپاهیان گویندگان که به جنگ داخلی مشغولاند ادامه خواهد داد تا اراده آنها را در نبرد سست گرداند. از طرف دیگر ما باید به تدارك و بسیج قیامها در درون ارتش گویندگان پردازیم و جنبش گائوشو سیون را ترویج کنیم بطوری که در لحظه حساس عملیات، واحدهای کثیری از گویندگان مانند گائوشو سیون بجانب خلق آیند، به مخالفت با جنگ داخلی برخیزند و در موضع صلح قرار گیرند. برای اینکه این کار بطور مؤثر صورت گیرد و سریعاً به نتیجه برسد هر منطقه باید بر طبق رهنمودهای کمیته مرکزی دائره خاصی تشکیل دهد و عده زیادی از کادرها را در آن دائره بگمارد که تمام نیروی خود را مصروف این وظیفه سازند. و دستگاههای رهبری هر منطقه باید این کار را دقیقاً رهبری کنند.

۳ - تعلیمات سپاهیان. ارتشهای صحرائی مناطق آزادشده بطور کلی هم اکنون تشکیل شدهاند. سپاهیان محلی نیز باندازه کافی زیاداند. از اینجهت ما باید عجبالتاً بطور کلی از افزایش افراد دست نگهداریم

و از فاصله میان نبردها استفاده کرده توجه خود را به تعلیمات سپاهیان معطوف داریم . این اصل درباره ارتشهای صحرائی ، سپاهیان محلی و همچنین چریک توده‌ای صادق است . در مورد موضوعات تعلیمات ، هدف ما همچنان در درجه اول عبارتست از بالا بردن سطح فنی تیراندازی ، نبرد با سرنیزه ، نارنجک‌اندازی و غیره و در درجه دوم عبارتست از بالا بردن سطح تاکتیک ، با عطف توجه خاص به تمرین عملیات شبانه . در مورد شیوه تعلیمات ، ما باید جنبش تعلیماتی توده‌ای را بسط دهیم که در طی آن افسران به سربازان ، سربازان به افسران و سربازان بیکدیگر بیاموزند . در سال ۱۹۴۶ ما باید کار سیاسی در ارتش را بازهم بهبود بخشیم ، شیوه کار دگماتیک و فرمالیست را که در ارتش بچشم میخورد براندازیم و کوشش خویش را برای تأمین وحدت میان افسران و سربازان ، میان ارتش و خلق ، میان ما و سپاهیان دوست و نیز برای تلاشی سپاهیان دشمن و اجراء شایسته وظایف تعلیمات ، تدارکات و نبرد بیفزائیم . چریک توده‌ای محلی را باید بر طبق شرایط کنونی تجدید سازمان کرد . امور کاربرداری در پشت جبهه هم باید از نو سازمان یابد . باید از کلیه اسکانات استفاده کرد که واحدهای توپخانه و مهندسی در کلیه مناطق بوجود آید و نفرات آنها رو بافزایش رود . مدارس نظامی همچنان بکار خود ادامه خواهند داد و کوشش عمده خود را باسوزش کادر فنی معطوف خواهند داشت .

۴ - تقلیل بهره‌مالکانه . بر طبق رهنمود کمیته مرکزی مورخ ۷ نوامبر ۱۹۴۵ (۲) کلیه منطقه‌ها باید در ۱۹۴۶ در سرزمین‌های تازه آزاد شده خویش جنبش توده‌ای پردامنه‌ای که خوب رهبری شده باشد برای تقلیل بهره‌مالکانه و نرخ سود برانگیزند . در مورد کارگران ،

باید دستمزد آنها را باندازه مناسب بالا برند . باید توده‌های وسیع در اثر جنبش مذکور بتوانند بازادی سربرآرند ، متشکل گردند و بصورت فرمانروایان آگه مناطق آزادشده در آیند . توده‌ها در مناطق آزادشده جدید بدون این اقدامات جدی نمیتوانند تشخیص دهند که کدام يك از دو حزب ، حزب کمونیست و گوپیندان ، خوب است و کدام يك بد است ؛ آنها در تردید خواهند ماند و از حزب ما مصممانه پشتیبانی نخواهند کرد . در مناطق آزادشده قدیم باید رسیدگی کنیم که در زمینه تقلیل بهره‌مالکانه و نرخ سود چه کاری صورت گرفته است و آن را بیشتر تحکیم کنیم .

۵ - تولید . بر طبق رهنمود v نوامبر ، کلیه مناطق باید بیدرنگ بتدارك لازم پردازند تا تولید ۱۹۴۶ در بخش‌های عمومی و خصوصی از لحاظ دامنه خود و حاصل خود در همه مناطق آزادشده از هر سالی بیشتر باشد . احساس خستگی که در نزد اهالی دیده میشود فقط در صورتی رفع شدنی است که وظیفه تقلیل بهره‌مالکانه و وظیفه بسط تولید دقیقاً اجرا گردد و بنتایج درخشان برسد . اجراء و یا عدم اجراء این دو وظیفه بزرگ است که بالاخره موجب پیروزی و یا شکست مبارزات سیاسی و نظامی ما در مناطق آزادشده خواهد گشت . هیچ منطقه‌ای نباید این وظایف را از دیده فروگذارد .

۶ - امور مالی . بار مالیاتی ما که در اثر احتیاجات کارهای بردامنه اخیر سنگین شده است باید در سال ۱۹۴۶ منظمأ و طبق نقشه به حدود عادی برگردد . باید به کسانی که بار مالیاتشان خیلی سنگین است تخفیف لازم داد . بخاطر يك كوشش طویل‌المدت ، تعداد کسانی که از تولید جدا میشوند در هیچ منطقه نباید از حدود امکانات مالی محلی

تجاوز کند . ارزش سپاهیان در درجه اول به کیفیت است نه کمیت . این یکی از اصول ما در ساختمان ارتش است . بسط تولید ، تأمین تدارکات ، تمرکز رهبری ، عدم تمرکز بهره‌برداری ، بحساب آوردن نیازمندی‌های ارتش و نیازمندی‌های اهالی ، ملحوظ داشتن منافع همگانی و همچنین منافع فردی ، تولید و صرفه‌جویی دقیق را بیکسان اهمیت دادن - امروز نیز اینست اصول راهنمایی صحیحی که میتواند مسائل اقتصادی و مالی را حل کند .

۷ - پشتیبانی از دولت و مهرورزی به خلق . پشتیبانی از ارتش و معاضدت با خانواده‌های رزمندگان جنگ مقاومت (۳) . ما باید در ۱۹۴۶ بهتر از سال‌های اخیر از عهده این دو وظیفه برآئیم . این امر در خورد کردن حملات گومیندان و استوار ساختن مناطق آزادشده اهمیت عظیم خواهد داشت . ما باید در ارتش در نزد کلیه فرماندهان و جنگاوران بکار ایدئولوژیک پردازیم تا آنان عمیقاً به اهمیت پشتیبانی از دولت و مهرورزی به خلق پی ببرند . اگر ارتش از عهده این وظیفه بخوبی برآید مناسبات میان مقامات محلی و خلق از یک طرف و ارتش از طرف دیگر بهتر خواهد شد .

۸ - کمک . در مناطق آزادشده ، بسیاری از قربانیان آفات طبیعی ، بسیاری از پناهندگان جنگ ، بسیاری از کسانی که تماماً و یا قسماً بیکاراند نیاز مبرم به کمک دارند . چگونگی حل این مسئله ، خواه خوب و خواه بد ، تأثیر بزرگی در زمینه‌های مختلف خواهد داشت . علاوه بر اقداماتی که از طرف دولت بعمل می‌آید باید در درجه اول به بسیج کمک متقابل توده‌ها بیکدیگر پرداخت . بر عهده حزب و دولت است که توده‌ها را در سازمان دادن چنین کمک‌ها تشویق کنند .

۹ - توجه به کادرهای محلی . امروز هر منطقه آزادشده‌ای در کلیه مدارج رهبری دارای عده کثیری کادر است که از مناطق دیگر آمده‌اند . بویژه در استانهای شمال شرقی چنین است . دستگاههای رهبری هر منطقه باید مصرا نه توصیه کنند که به کادرهای محلی توجه شود ، با آنها با رفاقت کامل و با حسن نیت کامل رفتار شود . کادرهایی که از مناطق دیگر می‌آیند باید زنده کردن ، بار آوردن و بالا کشیدن کادرهای محلی را وظیفه مهم خویش بشمارند . فقط از این راه است که حزب ما میتواند در مناطق آزادشده ریشه بگیرد . رفتار متکبرانه غیر محلی‌ها نسبت به محلی‌ها را باید مورد انتقاد قرار داد .

۱۰ - پیش‌بینی همه چیز برای مدت طولانی . تحول وضع کنونی هر چه باشد حزب ما باید همه چیز را برای مدت طولانی پیش‌بینی کند تا آنکه موضع ما خلل پذیر نباشد . اینک حزب ما از يك طرف در مناطق آزادشده در موضع خودمختاری و دفاع از خود استوار ایستاده است ، با حملات گومیندان مجدانه مقابله میکند و مزایائی را که اهالی آن مناطق بدست آورده‌اند استحکام میبخشد . از طرف دیگر ما از جنبش دموکراتیک که در مناطق گومیندان گسترش مییابد (و اعتصاب دانشجویان کون مین (۴) گواه آن است) پشتیبانی میکنیم تا مرتجعان را منفرد سازیم ، متحدان کثیری بدست آوریم و جبهه متحد ملی دموکراتیک را که تحت نفوذ حزب ما عمل میکند توسعه دهیم . بعلاوه ، هیئت نمایندگی حزب ما بزودی در کنفرانس مشورتی سیاسی که مشتمل بر نمایندگان کلیه احزاب و شخصیت‌های بی‌حزب خواهد بود شرکت خواهد جست . این هیئت مذاکره با گومیندان را از سر خواهد گرفت و برای تحقق بخشیدن به صلح و دموکراسی در سراسر کشور مبارزه

خواهد کرد . معذلك ممكن است كه ما بازهم به تغييرات غير مترقبه بريخوريم . دشواريهاي بسياري در انتظار ماست . مثلاً مناطق آزادشده جديد ما و سپاهيان جديد ما هنوز استحكام نيافته‌اند و اسور مالي ما مسائلي براي ما پيش آورده‌است . ما بايد صريحاً با اين دشواريها روبرو شويم و بر آنها فائق آئيم و در سازمان دادن هر كاري تصميم را براي مدت طولاني اتخاذ كنيم ، دقت كامل بعمل آوريم كه منابع انساني و مادي با صرفه‌جويي مورد استفاده قرار گيرد و پرهيزيم از اينكه حساب ما بر روي پيروزي‌هاي وابسته بتصادف باشد .

اين ده نكته بايد در كاري كه در ۱۹۴۶ در پيش خواهيم داشت و بويژه در نيمه اول سال ۱۹۴۶ مورد توجه خاص ما باشد . اميدواريم كه رفقاي ما در مناطق مختلف ، اين رهنمود را با نرمش و با ملحوظ داشتن شرايط محلي بكار برند . بقيه كارهائي كه بايد در مناطق گوناگون صورت گيرد مانند تاسيس قدرت محلي ، كار جبهه متحد ، توسعه آموزش مربوط به مسائل سياسي روز در داخل و در خارج حزب ، كار در شهرهاي نزديك بمناطق آزادشده ، — همه سهم‌است . ولي ما در اينجا به بحث درباره آنها نخواهيم پرداخت .

يادداشتها

۱ - در ۳۰ اكتوبر ۱۹۴۵ گائو شو سيون ، معاون فرماندهي منطقه جنگي شماره ۱۱ گوميندان ، در جبهه جنگ داخل در حن دن ، در جنوب استان حبه ، سربه شورش برافراشت و با يك سپاه و يك ستون يما پيوست . اين عمل انعكاس بزرگي در كشور يافت . كميته مركزي حزب كمونيست چين براي آنكه تجزيه و تلاشي سپاهيان گوميندان را عميق گرداند و آنها را به شورش برانگيزد تصميم گرفت كه به

نبرد تبلیغاتی دست زده افسران و سربازان ارتش گومیندان را به پیروی از نمونه گائو شو سیون و سپاهیان فرا خواند ، از آنها دعوت کند که از حمله بر مناطق آزاد شده سرباز زنند و در جبهه جنگ داخلی به خرابکاری پرداخته به ارتش آزادیبخش توده‌ای دست برادری بدهند ، به شورش برخیزند و بخلق به پیوندند . اینست آنچه " جنبش گائو شو سیون " نامیده میشود .

۲ - اشاره است به : « تقلیل بهره‌مالکانه و بسط تولید - دو وظیفه مهم برای دفاع از مناطق آزاد شده » ، جلد حاضر .

۳ - " پشتیبانی از دولت و مهرورزی بخلق " شعار ارتش آزادیبخش توده‌ای بود . " پشتیبانی از ارتش و معاضدت با خانواده‌های رزمندگان جنگ مقاومت " شعار سازمان‌های حزبی ، سازمان‌های دولتی ، سازمانهای توده‌ای و توده‌های وسیع مناطق آزاد شده بود . شعار دوم بعدها بصورت " پشتیبانی از ارتش و معاضدت با خانواده‌های رزمندگان ارتش انقلابی " در آمد .

۴ - شبانگاه ۲۵ نوامبر ۱۹۴۵ بیش از شش هزار دانش‌آموز و دانشجوی دبیرستانها و دانشکده‌های کون مین ، مرکز استان یون نان ، در دانشگاه متحد جنوب غربی گرد آمدند تا کنفرانسی درباره مسائل سیاسی روز تشکیل دهند و به جنگ داخلی اعتراض کنند . مرتجعان گومیندان سپاهیان بسحل اجتماع اعزام داشتند که آنجا را در محاصره گرفته با استعمال اسلحه مانند توپخانه سبک ، مسلسل و تفنگ پرداختند و حوالی دانشگاه را تحت نظر قرار داده از بازگشت شاگردان و استادان بخانه‌های خود جلو گرفتند . در نتیجه این اقدام ، همه دانش‌آموزان و دانشجویان کون مین اعتصاب کردند . در روز ۱ دسامبر مرتجعان گومیندان تعداد کثیری سرباز و مأمور مخفی به دانشگاه متحد جنوب غربی و دانشسرای عالی فرستادند که با پرتاب نارنجک موجب کشته شدن چهار نفر و زخمی شدن بیش از ده نفر گردیدند . اینست آنچه " حادثه خونین ۱ دسامبر " نامیده میشود .

پایگاههای محکم در شمال شرقی برپا کنیم

(۲۸ دسامبر ۱۹۴۵)

۱ - وظیفه کنونی حزب ما در شمال شرقی عبارتست از برپا کردن پایگاهها ، پایگاههای محکم نظامی و سیاسی در منچوری شرقی ، شمالی و غربی (۱) . این کار آسانی نیست و مستلزم مبارزه سخت است . ما برای برپا کردن چنین پایگاهها سه تا چهار سال وقت لازم داریم . ولی باید در طی سال ۱۹۴۶ نخستین پایه‌های محکم را بریزیم و گرنه ممکن است نتوانیم خود را نگهداریم .

۲ - اکنون باید این نکته را روشن ساخت که این پایگاهها نباید در شهرهای بزرگ و یا در طول راههای عمده ارتباط که بوسیله گوسیندان اشغال شده و یا خواهد شد برپا گردد . این کار در

رهنمودی است که بوسیله رفیق مائو سه دون بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تنظیم شده و عنوانش بوروی شمال شرقی است . همینکه اتحاد شوروی به ژاپن اعلان جنگ داد و ارتش سرخ به شمال شرقی قدم گذاشت کمیته مرکزی حزب کمونیست چین و ارتش آزادیبخش توده‌ای چین کادرها و سپاهیان فراوانی به شمال

شرایط کنونی ممکن نیست. همچنین پایگاههای مذکور را نباید در مناطق مجاور شهرهای بزرگ و یا راههای عمده ارتباط که در دست گومیندان است بر پا کرد. زیرا که گومیندان در آنجا که شهرهای بزرگ و راههای عمده ارتباط تسلط دارد بما امکان نخواهد داد در مناطقی که خیلی نزدیک بانجا است پایگاههای محکم بر پا کنیم. حزب ما در این مناطق باید به کار بسیار فراوانی پردازد و نخستین خط دفاعی نظامی ما را در آنجا قرار دهد، و هیچگاه نباید این مناطق را سرمری از دست داد. معذک این مناطق عرصه عملیات پارتیزانی هر دو طرف خواهد بود و نتواند پایگاههای محکمی برای ما باشد. از اینجهدت مناطقی که در آنجا باید پایگاههای محکم بر پا ساخت عبارتند از شهرها و سرزمین وسیع روستاهائی که از مراکز اشغال گومیندان بدوراند. اکنون باید این مناطق را تعیین کرد تا بتوانیم نیروهای خود را بر طبق آنها آرایش دهیم و همه حزب را بسوی این هدف توجیه کنیم.

۳ - پس از تعیین مناطقی که پایگاههای محکم ما باید در آنجا

شرقی فرستادند تا اینکه تحت رهبری آنها خلق به امحاء بقایای نیروهای متجاوزان ژاپنی و نابود ساختن رژیم پوشاری "منچورگوه"، به برانداختن خائنان بملت و از بین بردن راهزنی و بااستقرار حکومتهای محلی دموکراتیک در مدارج مختلف پردازد. اما در همین اثنا مرتجعان گومیندان که میخواهند بهر قیمت شده نظارت بر شمال شرقی را منحصراً در دست خویش گیرند بکمک امپریالیسم آمریکا از راه زمین، دریا و هوا ارتش مهمی به آنجا اعزام داشتند، مواضع کلیدی مانند شانهای گوان و جین جو را که قبلاً بدست ارتش آزادیبخش توده‌ای آزاد شده بود قبضه کردند. بالتیجه مبارزه شدید اجتناب‌ناپذیری در شمال شرقی پیش آمد که در تحول وضعیت سراسر کشور اهمیتی کاملاً خاص داشت. رفیق مائو تسه دون در این رهنمود

بر پا شود، پس از آرایش نیروها و افزایش معتنا به تعداد ارتش ما، وظیفه عمده حزب ما در شمال شرقی عبارت خواهد بود از کار توده‌ای. باید این مطلب را به همه کادرها حالی کرد که تا مدتی گومیندان در شمال شرقی از حزب ما قویتر خواهد بود، و اگر فعالیت ما مبتنی بر این اصل نباشد که باید توده‌ها را بمبارزه برانگیخت، باید بسایل آنها را حل کرد و در همه چیز بر آنها تکیه داشت، اگر کلیه نیروها را بمنظور کار توده‌ای دقیق تجهیز نکنیم و از حالا تا یک سال و بویژه در چند ماه آینده که اهمیت قطعی دارند نخستین پایدهای محکم را برپا نسازیم در شمال شرقی منفرد خواهیم شد، نخواهیم توانست پایگاههای محکم بوجود آوریم و حملات گومیندان را در هم بشکنیم، بلکه ممکن خواهد بود در برابر دشواریهای عظیم قرار گیریم و حتی در معرض خطر شکست باشیم. برعکس، اگر بر توده‌ها استوار تکیه کنیم بر کلیه دشواری‌ها غلبه خواهیم کرد و رفته رفته به هدف خویش خواهیم رسید. کار توده‌ای بآن معناست که توده‌های خلق را بسیج کنیم برای اینکه

پیش بینی کرد که مبارزه در شمال شرقی مبارزه‌ای سخت خواهد بود، درست بموقع خود راهنمایی کرد که مرکز ثقل کار باید در شهرها و مناطق روستائی پهناوری باشد که از مراکز اشغال گومیندان نسبتاً دوراند، باین معنی که ما باید "شاهراه را بگذاریم و دو طرف آن را بتصرف در آوریم" تا آنکه توده‌ها را برانگیزیم، پایگاههای محکم برپا سازیم، بتدریج نیروهای خویش را افزایش دهیم و برای گذار به تعرض متقابل آماده شویم. این سیاست صحیح که بوسیله کمیته مرکزی و رفیق مائو سه دون تعیین گردید بوسیله بوروی شمال شرقی که رفیق لین بیائو در رأس آن قرار داشت موفقانه بموقع اجرا گذاشته شد و میداه پیروزی بزرگی بود که سه سال بعد در نوامبر ۱۹۴۸ سراسر شمال شرقی را آزاد ساخت.

در راه تصفیه حساب خویش با خائنان بملت مبارزه کنند و جنبش برای تقلیل بهره‌سالکانه و افزایش دستمزد و همچنین بسط تولید بر پا سازیم . ما باید در طی این مبارزات سازمان‌های گوناگون توده‌ای بوجود آوریم ، هسته‌های حزب را بنیاد نهیم ، از توده‌ها واحدهای مسلح و همچنین ارگانه‌های قدرت توده‌ای تشکیل دهیم ، مبارزات اقتصادی توده‌ای را سریعاً بسط مبارزات سیاسی برسانیم و توده‌ها را برای شرکت در ساختمان پایگاهها بسیج کنیم . رهنمودی که اخیراً از طرف کمیته حزب در استان ژه هه راجع به بسیج توده‌ها در مبارزه (۲) صادر شده است میتواند در شمال شرقی بکار رود . حزب ما باید مزایای مادی محسوسی به خلق در شمال شرقی بدهد ؛ فقط در آن صورت توده‌ها از ما پشتیبانی خواهند کرد و در برابر حملات گومیندان بمقاومت بر خواهند خاست . در غیر این صورت آنها نمیتوانند تشخیص دهند کدام يك از دو حزب ، گومیندان یا حزب کمونیست خوبست و کدام يك بد است ، ممکن است تا مدتی به تبلیغ دروغین گومیندان گرفتار آیند و حتی ممکن است با حزب ما به مخالفت برخیزند و چنین چیزی وضعیت بسیار ناساعدی برای ما در شمال شرقی بوجود خواهد آورد .

۴ - امروزه برای حزب ما در شمال شرقی مشکلی از نوع مشکلات ذهنی بوجود آمده است . بسیاری از کادرها و سپاهیان ما فقط اندک مدتی است که در شمال شرقی بسر میبرند و نه این سرزمین و نه مردم آن را نمیشناسند . کادرهائی هستند که ناراضی‌اند چرا ما نمیتوانیم شهرهای بزرگ را تصرف کنیم و در برابر کار پرنج بسیج توده‌ها و استقرار پایگاهها ناشکیبائی نشان میدهند . این حالت با وضعیت کنونی و وظائف حزب ما در تضاد است . ما باید پیوسته به کادرهائی که از مناطق دیگر آمده‌اند

بیاموزیم که به تحقیق و مطالعه اهمیت بسیار بدهند ، با محل و با مردم آن آشنا گردند ، تصمیم بگیرند که با اهالی شمال شرقی یکی شوند ؛ ما باید تعداد زیادی از عناصر فعال و کادرهایی از درون توده‌های مردم تربیت کنیم . ما باید به کادرها توضیح دهیم که اگر چه شهرهای بزرگ و راههای ارتباط در دست گومیندان است معذک وضعیت شمال شرقی برای ما مساعد است . اگر ما بتوانیم این نظریه را در کلیه کادرها و جنگجویان رسوخ دهیم که باید توده‌ها را برانگیخت و پایگاهها را برپا ساخت ، و اگر کلیه نیروها را بسیجیم و سرعت به مبارزه عظیم برای استقرار این پایگاهها پردازیم خواهیم توانست محکم در شمال شرقی و ژه‌هه مستقر شویم و پیروزی از آن ما خواهد بود . باید بکادرها گفت که بهیچوجه نباید به نیروی گومیندان کم بها دهند ، و نیز بهیچوجه نباید بفکر اینکه گومیندان به حمله بر منچوری شرقی و شمالی خواهد پرداخت در برابر دشواری کار گرفتار ناشکیبی گردند . البته در موقع این توضیحات نباید این فکر را در کادرها بوجود آوریم که گومیندان نیروی عجیبی دارد و حملاتش را نمیتوان در هم شکست . باید نشان داد که گومیندان در شمال شرقی دارای پایه‌های عمیق و سازمان داده‌ای نیست و حملاتش میتواند در هم شکسته شود و بنابر این حزب ما میتواند در آنجا پایگاه برپا سازد . اما اکنون میبایان گومیندان به حمله بر سرز ژه‌هه - لیاو نین مشغول‌اند و اگر بر آنها ضربه زده نشود بزودی بر منچوری شرقی و شمالی حمله خواهند کرد . از اینجهت کلیه اعضاء حزب باید مصمم باشند که به پرنجترین وظائف پردازند ، توده‌ها را سرعت برانگیزند ، پایگاههای ما را برپا سازند و حملات گومیندان را در منچوری غربی و ژه‌هه قاطعاً و منظمآ در هم بشکنند . در منچوری شرقی و شمالی باید

بسرعت در تدارك شرایطی بود که برای در هم شکستن حملات گومیندان لازم است . ما باید کادرهای خود را یکباره از این تصور برهائیم که گویا میتوان بیاری بخت و اقبال و بدون مبارزه‌ای سخت و تلخ و بدون ریختن خون و عرق به پیروزی نائل آمد .

۵ - باید سرعت سنجوری غربی ، شرقی و شمالی را به منطقه‌ها و بخش‌های نظامی و نیروهای مسلح را به ارتش صحرائی و ارتش محلی تقسیم کرد . باید واحدهای سهمی از ارتش منظم را بین بخشهای نظامی بخش کرد تا آنکه توده‌ها را برانگیزند ، راهزنان را نابود سازند ، ارگان‌های حکومت بر پا کنند ، واحدهای پارتیزانی ، دستجات چریک توده‌ای و نیروهای دفاع از خود را سازمان دهند ، بطوریکه دفاع مناطق ما تأمین گردد و با هم آهنگی با ارتش‌های صحرائی ما حملات گومیندان در هم شکسته شود . باید هر واحد در منطقه معین و به وظیفه مشخص گماشت ؛ از این طریق است که واحدها بسرعت خواهند توانست با خلق متحد شوند و پایگاههای محکم بر پا سازند .

۶ - بیش از ۱۰۰,۰۰۰ تن از سپاهیان ما به شمال شرقی و ژه هه رفته‌اند . ارتش مذکور اخیراً با بیش از ۲۰۰,۰۰۰ تن دیگر تکمیل شده و همچنان در جهت افزایش است . اگر کارسندان حزب و دولت را هم بیفزائیم بنظر ما تا يك سال دیگر مجموعاً از ۴۰۰,۰۰۰ نفر متجاوز خواهد شد . این وضعیت که عده‌ای باین کثرت از تولید بریده شده‌اند و از لحاظ خوراك و پوشاك خویش وابسته اهالی شمال شرقی‌اند مسلماً قابل دوام نیست و متضمن خطر بزرگی است . از اینجهت کلیه واحدهای ارتش و کلیه ادارات و سازمان‌ها باید در خارج از مبارزه و خارج از کار منظم خویش به تولید پردازند ، باستانای ارتش‌های

صحرائی که سپاهیانشان برای عملیات نظامی بزرگ متمرکز شده‌اند .
سال ۱۹۴۶ نباید بیهوده بگذرد . باید بیدرنک در سراسر شمال شرقی
نقشه‌های مناسب برای کار طرح گردد .

v - در استقرار پایگاههای ما و در پیروزی نبردهای آینده ما
در شمال شرقی سمت گیری کارگران و روشنفکران دارای اهمیت بسیاری
است . از اینجهت حزب ما باید به کار در شهرهای بزرگ و در طول
راههای عمده ارتباط و بویژه به کار در میان کارگران و روشنفکران برای
جلب آنها توجه لازم و کامل معطوف دارد . از آنجا که حزب ما در
اوایل جنگ مقاومت باندازه کافی به جلب کارگران و روشنفکران به
پایگاهها نپرداخته است سازمانهای حزب در شمال شرقی در عین حال که
به کار مخفی در نواحی تحت نظارت گومپندان توجه میکنند اینک باید
کلیه اسکانات خویش را بکار برند تا کارگران و روشنفکران به ورود در
ارتش جلب شوند و در همه زمینه‌ها در کار ساختمان در پایگاههای ما
شرکت جویند .

یادداشتها

۱ - پایگاه منچوری شرقی از آن جمله شامل میشد بر مناطق جی لین ،
سی ان ، ان تو ، ین جی ، دون هوا در مشرق بخش شن یان - چان چون راه
آهن چان چون چین . پایگاه منچوری شمالی از آن جمله شامل میشد بر مناطق
حاربین ، مو دن جیان ، بی ان ، جیا مو سی . پایگاه منچوری غربی از آن
جمله شامل میشد بر مناطق چی چی هار ، تائو ان ، کای لو ، فو سین ، جن
جیا تون ، و فو یو در مغرب بخش شن یان - چان چون راه آهن چان چون چین .
حزب ما در منچوری جنوبی نیز پایگاهی بر پا ساخت که از آن جمله شامل

میشد بر مناطق آن دون (امروز به دن دون تجدید نام یافت - مترجم) ، جوان
 هه ، تون هوا ، لین جیان ، چینگ یوان در مشرق بخش شن یان - دالیان راه آهن
 چان چون چین و بر منطقه لیائو جون در جنوب غربی شن یان . مبارزه سختی
 که در منچوری جنوبی بر ضد دشمن ادامه یافت نیز در ساختمان پایگاه‌های
 شمال شرقی نقش مهم بازی کرد .

۲ - اشاره است به « رهنمود در باوه بسیج توده‌ها » که در دسامبر ۱۹۴۵
 از طرف کمیته ایالتی حزب کمونیست چین در ژه هه صادر گردید . رهنمود مذکور
 تأکید میکرد که وظیفه مرکزی برای برانگیختن توده‌ها در حال حاضر عبارتست از بر
 پا کردن نبرد بازخواست و تلافی که هدفش تصفیه حساب با خائنان بملت و مأموران مخفی
 است . بوسیله این نبرد باید شور و شوق توده‌ها را برانگیخت ، موقعیت اجتماعی ،
 سیاسی و اقتصادی آنها را ارتقاء داد و سندیکاهای اتحادیه‌های دهقانی و سایر سازمان‌های
 توده‌ای را بوجود آورد و باید آماده بود که همیشه این نبرد پایان یافت به جنبش توده‌ای
 برای تقلیل بهره‌مالکانه و نرخ سود پرداخته شود . در موقع برانگیختن توده‌های شهر
 باید نخست به برانگیختن کارگران دست زد بطوریکه آنها بتوانند پیشاهنگ باشند
 در نبرد برای تصفیه حساب با خائنان بملت و مأموران مخفی نقش رهبر ایفا کنند .
 رهنمود مذکور همچنین اشعار میداشت که باید کلیه امور مربوط بداره شهرها
 را یاد گرفت ، باید نیروی کار را با صرفه‌جویی مورد استفاده قرار داد ، باید
 همه چیز را برای مدتی طولانی پیش‌بینی کرد .

چند ارزیابی از وضع بین‌المللی کنونی

(آوریل ۱۹۴۶)

۱ - نیروهای ارتجاعی جهان در واقع جنگ سوم جهانی را تدارک می‌بینند و خطر جنگ وجود دارد . ولی نیروهای دموکراتیک خلقهای جهان بر نیروهای ارتجاعی جهان برتری پیدا کرده‌اند و به پیشروی ادامه می‌دهند ؛ آنها باید و حتماً میتوانند بر خطر جنگ فایق آیند . بنا بر این در روابط بین آمریکا ، انگلستان و فرانسه از يك طرف و اتحاد شوروی از طرف دیگر مسئله بر سر سازش یا شکاف نیست ، بلکه بر سر آنستکه آیا سازش زودتر انجام خواهد گرفت یا دیرتر . غرض از سازش حصول توافقات از طریق مذاکرات مسالمت‌آمیز است . مقصود از زودتر یا دیرتر

این اثر در رد چند ارزیابی بدبینانه از اوضاع بین‌المللی که در آن زمان بوجود آمده بود ، نگاشته شده است . از بهار ۱۹۴۶ امپریالیستها بسرکردگی ایالات

اینستکه این سازش پس از چند سال دیگر و یا پس از بیشتر از ده سال دیگر و یا پس از زمانی بیشتر از این انجام گیرد .

۲ - این نوع سازش که در بالا از آن نام رفت ، معنیش سازش در تمام مسایل بین‌المللی نیست . حصول این سازش مآدام که آمریکا ، انگلستان و فرانسه همچنان زیر سلطه مرتجعین قرار دارند ، غیرممکن است . سازشی که در اینجا از آن سخن می‌رود بمعنی سازش در بعضی مسایل ، از آنجمله در برخی مسایل مهم است . معیناً اینگونه سازشها نمیتواند در آینده نزدیک زیاد باشد . ولی با وجود این امکان توسعه روابط تجارتی آمریکا ، انگلستان و فرانسه با اتحاد شوروی موجود است .

۳ - چنین سازشهایی میان آمریکا ، انگلستان و فرانسه از يك

متحد آمریکا همگام با مرتجعین کشورهای مختلف روز بروز بر فعالیتهای ضد اتحاد شوروی ، ضد کمونیستی و ضد خلقی خود میافزودند و برای بااصطلاح " ناگزیری جنگ میان ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی " و " ناگزیری آغاز سومین جنگ جهانی " تبلیغ میکردند . در چنین وضعی رفتاری بودند که به نیروهای امپریالیستی پریشان و به نیروهای خلق کم‌بها میدادند ، آنها از امپریالیسم آمریکا و از شروع يك جنگ جهانی جدید هراس داشتند و بدین جهت در برابر حملات مسلحانه دسته‌بندی ارتجاعی آمریکا و چانکایشك از خود ناتوانی نشان میدادند و جرات نمیکردند که قاطعانه جنگ انقلابی را در برابر جنگ ضد انقلابی قرار دهند . در این سند ، رفیق مائو تسه دون این شیوه تفکر نادرست را میکوبد . رفیق مائو تسه دون خاطر نشان میسازد که فقط در صورتی خطر جنگ جهانی جدید بر طرف میشود که نیروهای خلقهای جهان قاطعانه و بطور مؤثر علیه نیروهای ارتجاعی جهان مبارزه